

آشنایی با برنامه‌ی درسی‌ملی

سعید قریشی*

اشاره

در شماره‌ی قبل با مفهوم برنامه‌ی درسی ملی و برخی از اجزا و مؤلفه‌های آن، مانند مبانی فلسفی، رویکرد و اصول آشنا شدید و در مورد چگونگی تأثیر برخی از گزاره‌های مبانی بر برنامه‌های درسی توضیحاتی داده شد. در این شماره با بخش دیگری از برنامه‌ی درسی ملی آشنا می‌شوید.

آنچه از این آیه‌ی شریفه استنباط می‌شود، این است که آن «حیات طیبه» یا «زندگی پاکیزه» چیزی برتر و با ارزش‌تر از این زندگی عادی و طبیعی است که همه‌ی انسان‌ها آن را دارا هستند.

لازمه‌ی تبدیل شدن این زندگی طبیعی به آن زندگی پاکیزه و به دور از هر آلودگی و ناپاکی، داشتن «عمل صالح» و «ایمان» از سوی انسان ذکر شده است. انسان‌هایی که فاقد ایمان و عمل صالح باشند، از آن زندگی پاک بی‌بهره‌اند و بی‌شک انواع آلودگی‌ها به زندگی آن‌ها راه خواهد یافت و انواع آرزوها و تمایلات نفسانی و شیطانی، آن‌ها را در چنگال خود اسیر خواهد ساخت.

بنابراین می‌توان گفت، نظام آموزشی می‌خواهد متریان را طوری تربیت کند که هم صاحب ایمان و اعتقادات محکم و درست بشوند و هم اعمال و رفتار آنان شایسته و یا صالح شود تا زندگی آن‌ها به نوعی زندگی پاک یا حیات طیبه تبدیل شود و مستحق دریافت پاداش‌های نیکو از سوی خداوند شوند.

اهداف کلی، تفصیلی و جزئی

برای رسیدن به هدف غایی باید مراحل را طی کرد. این مراحل به صورت اهداف کلی و اهداف تفصیلی و اهداف جزئی تبیین شده‌اند. براساس آنچه در متن سند آمده است، اهداف کلی اهدافی برگرفته از فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی هستند که فراتر از شرایط زمانی و مکانی تعیین می‌شوند و به اهداف تفصیلی و جزئی جهت می‌دهند. اهداف تفصیلی حد قابل انتظار دست‌رسی متریان به اهداف کلی را در هر دوره‌ی تحصیلی مشخص می‌کنند.

اهداف جزئی، اهداف حوزه‌های یادگیری و یکایک

اهداف در برنامه‌ی درسی ملی

دومین بخش از محتوای سند، به تشریح اهداف و الگوی هدف‌گذاری اختصاص دارد. همان‌طور که می‌دانیم، هر برنامه‌ی درسی و فعالیت آموزشی هدفی دارد که متریان باید پس از گذراندن آن برنامه، به آن اهداف دست یابند و در اثر اجرای آن برنامه‌ی درسی و تربیتی، تغییراتی در افکار، اعمال یا دیدگاه‌هایشان به وجود آید، و اگر نه آن برنامه بی‌اثر و بی‌فایده خواهد بود. این قاعده در هر جلسه‌ی درس کلاس هم جاری است و معلم انتظار دارد دانش‌آموزان در پایان جلسه‌ی درس، به اهداف مورد نظر برسند.

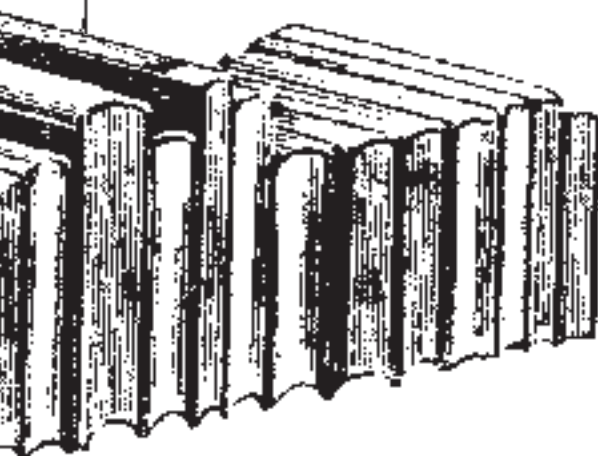
برنامه‌ی درسی ملی نیز که به منزله‌ی نقشه‌ی کلان برنامه‌های درسی تلقی می‌شود، باید هدف‌هایی را که تک‌تک برنامه‌های درسی می‌باید دنبال کنند و فعالیت‌های آموزشی را در راستای آن‌ها سازمان‌دهی و هدایت کنند، روشن کند و نشان دهد که در نهایت، هدف مجموعه برنامه‌های درسی، تربیت «چگونه انسانی» است و نظام آموزشی «چگونه انسانی» را به جامعه تحویل خواهد داد.

براساس آنچه که در بخش مبانی فلسفی برنامه‌ی درسی ملی آمده است: هدف غایی نظام تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، «دست‌یابی متریان به مراتبی از حیات طیبه» تعیین شده است که می‌توان آن را به عبارت‌های مترادف دیگری مانند «دست‌یابی متریان به مراتبی از عبودیت خداوند» یا «رسیدن آنان به مراتبی از قرب الهی» نیز بیان کرد.

ریشه‌ی این هدف به آیه‌ی ۹۷ سوره‌ی نحل از قرآن مجید برمی‌گردد که خداوند می‌فرماید: «هر مرد یا زنی که عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد، او را زنده می‌گردانیم، به زندگی پاکیزه‌ای، و به آنان پاداش می‌دهیم به چیزی بهتر از آنچه عمل می‌کنند».

کلیدواژه‌ها:

برنامه‌ی درسی ملی،
حیات طیبه،
هدف غایی،



برنامه‌ی درسی ملی
نیز که به منزله‌ی
نقشه‌ی کلان
برنامه‌های درسی
تلقی می‌شود، باید
هدف‌هایی را که
تک‌تک بر نامه‌های
درسی می‌باید
دنبال کنند و
فعالیت‌های آموزشی
را در راستای آن‌ها
سازمان‌دهی و
هدایت کنند، روشن
کند و نشان دهد
که در نهایت، هدف
مجموعه‌برنامه‌های
درسی، تربیت
«چگونه‌انسانی» است
و نظام آموزشی
«چگونه‌انسانی» را به
جامعه تحویل خواهد
داد

در جوامع گوناگون،
براساس فلسفه‌ی
حاکم و نگرش رایج،
مبانی متفاوتی را
برای تعیین اهداف
در نظر می‌گیرند:
گاهی نیازهای فردی
دانش آموز، گاهی
نیازهای جامعه، گاهی
ترکیبی از این دو و
گاهی ساختار دانش
بشری، به‌عنوان مبنای
تعیین اهداف در نظر
گرفته می‌شوند

برنامه‌های درسی و تربیتی را به منظور دستیابی به هدف‌های
تفصیلی دوره‌ی تحصیلی مشخص می‌کنند.

الگوی هدف‌گذاری

سؤال مهمی که قبل از تعیین اهداف مطرح می‌شود، این
است که اهداف را بر چه مبنایی باید تعیین کرد؟ در جوامع
گوناگون، براساس فلسفه‌ی حاکم و نگرش رایج، مبنای
متفاوتی را برای تعیین اهداف در نظر می‌گیرند: گاهی نیازهای
فردی دانش‌آموز، گاهی نیازهای جامعه، گاهی ترکیبی از این
دو و گاهی ساختار دانش بشری، به‌عنوان مبنای تعیین اهداف
در نظر گرفته می‌شوند. در سند برنامه‌ی درسی ملی، مواردی به
عنوان مبنای تعیین اهداف در نظر گرفته شده‌اند که بتوانند راه
را برای رسیدن به هدف غایی تعلیم و تربیت هموارتر کنند و
مترقی را در آن جهت پیش ببرند. لذا در تحصیل پیش‌نیازهای
رسیدن به هدف غایی، عناصر و عرصه‌هایی شناسایی شده‌اند
که اگر اهداف بر مبنای آن‌ها تعیین شوند، می‌توان تا حدودی
به تحقق هدف غایی امیدوار شد.

براساس آنچه در سند برنامه‌ی درسی ملی آمده است،
می‌توان گفت، فردی که به مراتبی از حیات طیبه دست
یافته باشد، دارای ویژگی‌هایی است که این ویژگی‌ها، هم
در شخصیت و هم در عملکرد او تبلور می‌یابند. برخی از
این ویژگی‌ها جزو شخصیت او شده‌اند و در همه‌ی لحظات
زندگی در وجود او ظهور و بروز دارند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند
از: تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق. یعنی هر انسان تربیت
یافته در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، این پنج ویژگی را دارد.
دستیابی به این پنج ویژگی به‌عنوان عناصر اصلی در الگوی
هدف‌گذاری در نظر گرفته شده‌اند.

دسته‌ی دیگری از ویژگی‌ها، به رفتار و عملکرد انسان تربیت

یافته در مواضع گوناگون ارتباط می‌یابد که آن‌ها را در چهار
عرصه تبیین کرده‌اند. این چهار عرصه عبارت‌اند از: **رابطه‌ی
فرد با خود، رابطه‌ی فرد با خدا، رابطه‌ی فرد با خلق و
رابطه‌ی فرد با جهان خلقت.**

انسان تربیت یافته در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، در هر یک
از این چهار عرصه وظایفی دارد که رفتارها و عملکردهایش
را براساس آن وظایف تنظیم می‌کند و این احساس وظیفه‌ی
درونی، با محوریت رابطه‌ی او با خدا شکل می‌گیرد و معنی
می‌یابد. چنین انسانی می‌داند که با خود چگونه باید رفتار کند
و نسبت به خودش چه وظایفی دارد، نسبت به خدا و خالق
خودش چه وظایفی دارد، نسبت به هموعاشقش، اعم از دوست
و دشمن، چه وظایفی دارد و بالاخره نسبت به جهان خلقت،
اعم از طبیعت و ماورای طبیعت، چه وظایفی دارد. این وظایف،
اعم از وظایف شناختی و معرفتی و وظایف عملکردی است.

با توجه به آنچه اشاره شد، می‌توان گفت که الگوی
هدف‌گذاری در صدد ارائه‌ی چارچوب مفهومی منسجمی
است که در تدوین اهداف راهنمای عمل برنامه‌ریزان و مجریان
قرار گیرد. این الگو که بر پنج عنصر «تفکر، ایمان، علم، عمل و
اخلاق» و چهار عرصه‌ی «رابطه با خود، خدا، خلق و خلقت»
در تعیین اهداف تأکید می‌ورزد، می‌خواهد بگوید که نظام تعلیم
و تربیت اسلامی ما باید به دنبال تربیت انسان‌هایی باشد که اهل
فکر و اندیشه، اهل ایمان و باور محکم و استوار، اهل علم و
دانش و بصیرت، اهل عمل صالح و شایسته و اهل اخلاق نیک
و فضایل انسانی باشند و در عرصه‌های گوناگون زندگی بر طبق
معیارهای درست عمل کنند. یعنی در برابر خدا چنان عمل کنند
که خدا خواسته است، با خود چنان رفتار کنند که خدا خواسته
است، با خلق چنان باشند که خدا خواسته است و با عالم
خلقت چنان تعامل کنند که خدا خواسته است. در شماره‌های
بعد، باز هم در این باره با شما سخن خواهیم گفت.

* عضو تیم مجری تولید برنامه‌ی درسی ملی

